
غلامحسین زینلی
امام مهدی (عج)
و طول عمر

بسم الله الرحمن الرحیم

امام مهدی (عج) و طول عمر

نویسنده:

غلامحسین زینلی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
امام مهدی (عج) و طول عمر ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
مقدمه ----- ۷
پیشینه‌ی مسئله‌ی طول عمر ----- ۷
تقسیم کتب شیعه ----- ۷
مرز نهایی عمر متعارف ----- ۸
شیخ صدوق نخستین پژوهنده‌ی طول عمر امام مهدی ----- ۸
سده‌ی ۰۵ ----- ۸
شیخ مفید ----- ۸
کراجکی ----- ۹
شیخ طوسی ----- ۹
سده‌ی ۰۶ ----- ۹
امین الاسلام طبرسی ----- ۹
سده‌ی ۰۷ ----- ۹
خواجه نصیر طوسی ----- ۱۰
محقق اربلی ----- ۱۰
ابن میثم بحرانی ----- ۱۰
سده‌ی ۰۸ ----- ۱۰
علامه‌ی حلی ----- ۱۰
سده‌ی ۱۱ ----- ۱۰
فیض کاشانی ----- ۱۱
سده‌ی ۱۲ ----- ۱۱

علامه‌ی مجلسی ----- ۱۱
سده‌ی ۱۴ ----- ۱۱
محدث نوری ----- ۱۱
لطف اللّه صافی گلپایگانی ----- ۱۱
استاد محمدرضا حکیمی ----- ۱۲
علامه شهید سید محمدباقر صدر ----- ۱۲
استاد ابراهیم امینی ----- ۱۲
طول عمر از منظر قرآن کریم ----- ۱۳
اشاره ----- ۱۳
نوح ----- ۱۳
عیسی بن مریم ----- ۱۳
خضر ----- ۱۴
اصحاب کهف ----- ۱۵
از منظر روایات ----- ۱۵
از منظر عقل ----- ۱۶
تجربه‌ی تاریخی ----- ۱۶
از نگاه علوم تجربی ----- ۱۷
در قلمرو قدرت الهی ----- ۱۹
پاورقی ----- ۱۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۲۳

امام مهدی (عج) و طول عمر

مشخصات کتاب

نویسنده: غلامحسین زینلی

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

طبق روایات، امام مهـدی (علیه‌السّـلام) که در آخر الزمان ظهور خواهـد کرد و جهان را پر از عـدل و داد خواهد ساخت، فرزند امام حسن عسـکری (علیه‌السّـلام) است که در نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۶ ه. ق متولّـد شده است.این حقیقت، مورد تأیید همه‌ی دانشـمندان شیعه‌ی امـامیه و جمع کثیری از دانشـمندان اهـل سنّت است. [۱] .معنـای روشـن ایـن سـخن، آن است که آن ذخیره‌ی الهی، دارای عُمری طولانی است. تاکنون، بیش از هزار و صد پنجاه سال از عمر مبارک آن حضرت گذشته است.داشتن طول عمر، به این اندازه بر خلاف عرف و عـادتی است که در میـان مردم جهـان جریـان دارد.موضوع طول عمر در عصـر حاضـر، امری حـل شـده است، و حـدّاکثر، از حدّ یک اسـتبعاد ابتدایی فراتر نمی‌رود؛ زیرا، در همین سال‌ها و دهه‌های اخیر، در روزنامه‌ها و مجلات، به نام افرادی بر می‌خوریم که عمرهایی در حد صد و پنجاه تا دویست و پنجاه سال داشته‌اند. [۲] .آری، مسئله‌ی طول عمر امام زمان (علیه‌السّلام) از دیـد مـا، نه یـک ایراد، بلکه یـک اسـتبعاد و اظهار تعجّب است، اما از آن جا که مخالفان شـیعه، همین اسـتبعاد را یک اشـکال تلقّی کرده و درباره‌ی آن به بزرگ‌نمایی پرداخته‌اند و تا آن جا پیش رفته‌اند که مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) را دلیل انکار وجود آن حضـرت قرار داده‌اند، خود را ملزوم می‌دانیم که این مسئله را بررسی کنیم و به منظور روشن شدن اذهان و رفع استبعاد از فکر و اندیشه‌ی مخالفان، مطالبی را تقدیم داریم.

پیشینه‌ی مسئله‌ی طول عمر

از نخستین سال‌هـای پیـدایش مشـکلی به نـام طول عمر امـام زمـان (علیه‌السّـلام)، انـدکی بیش از دّه قرن می‌گـذرد. از آن روزگـار تاکنون، همواره، از سوی مخالفان موضوع امامت، به مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) دامن زده شده است.

تقسیم کتب شیعه

آثار و تألیفات دانشمندان شیعه را از منظر «مسئله‌ی طول عمر»، به طور مشخّص، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:دسته‌ی یکم، آثاری است که به طـور تقریب. قبـل از سـال ۳۷۰ ه. ق تـألیف شـده است.دسـته‌ی دوم، آثاری است که پس از تاریـخ یاد شـده به رشـته‌ی تحریر در آمـده است.در آثار دسـته‌ی نخست، هیـچ اثری از مسـئله‌ی طول عمر حضـرت مهدی (علیه‌السّـلام) دیده نمی‌شود. و این، بدان معنا است که عمر مبارک حضـرت مهدی (علیه‌السّـلام) تا این زمان، طبیعی می‌نموده، لذا از ناحیه‌ی طول عُمر ایشان، پرسشـی در اذهان جامعه‌ی آن روز وجود نداشـته است.از آثار این دوره می‌توان از بصائر الدرجات، نوشـته‌ی محمد بن حسن صفارقمی (در گذشته‌ی ۲۹۰ ه.ق) و کافی، اثر شیخ کلینی رازی (در گذشته‌ی ۳۲۹ ه. ق) و شرح الأخبار فی فضائل الأئمهٔ الأطهار، نوشته‌ی قاضی نعمـان بن محمـد تمیمی مغربی (در گذشـته‌ی ۳۶۳ ه. ق) [۳] و کتاب الغیبـهٔ، اثر شاگرد برجسـته‌ی شـیخ کلینی، محمّـد بن ابراهیم نعمانی [۴] معروف به «ابن أبی زینب» نام برد.گرچه تاریـخ درگـذشت دانشـمند اخیر، به درستی معلوم نیست، امّا از این که وی، در

اثر خود، هیچ سخنی از مسئله‌ی طول عمر به میان نیاورده... است، چنین بر می‌آید که تا زمانی که او کتاب‌اش را می‌نوشته، عمر امام عصر (علیه‌السّلام)، عمری متعارف بوده و از ناحیه‌ی طول عمر آن حضرت، هنوز پرسشی در اذهان آحاد جامعه‌ی اسلامی وجود نداشته است و دانشمند یاد شده نیز، احتمالاً، به همین دلیل، متعرض این مسئله نشده است. از همین‌جا می‌توان حدس زد که درگذشت این عالم بزرگوار، به احتمال زیاد، قبل از سال ۳۷۵ ه. ق بوده است؛ زیرا، مشکل طول عمر، در دهه‌های پایانی سده‌ی چهارم ه ق مطرح بوده است و دانشمندانی که در این زمان می‌زیسته‌اند، متعرّض آن شده‌اند.

مرز نهایی عمر متعارف

شواهد موجود، نشان می‌دهد که در دهه‌های آخر سده‌ی چهارم ه.ق، دانشمندان و توده‌های مردم، مرز نهایی عمر متعارف را صد و بیست سال می‌دانسته‌اند و عمر مبارک امام زمان (علیه‌السّلام) در سال ۳۷۵ ه.ق از این حدّ گذشته و حالت غیرمتعارف پیدا کرده است. از این زمان به بعد، در میان بخش‌هایی از مردم، و حدّاقل در میان افراد بهانه‌جو، پرسش‌هایی در مورد طول عمر آن حضرت پدید آمده است.

شیخ صدوق نخستین پژوهنده‌ی طول عمر امام مهدی

اسناد و مدارک موجود، نشان می‌دهد، نخستین دانشمندی که به طرح مسئله‌ی طول عمر امام زمان (علیه‌السّلام) پرداخته، ابو جعفر محمّد بن علی ابن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق» (در گذشته‌ی ۳۸۱ ه.ق) است. وی، در کتاب خود، کمال الدین و تمام النعمهٔ [۵] به تفصیل، به مسئله‌ی طول عمر پرداخته و به پرسش‌های مخالفان مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) پاسخ گفته است.وی، فصل جامعی از کتاب یاد شده را به زندگی «معمّرین» اختصاص داده است و ده‌ها نفر از معمّرین را که عُمری بیش از صد و بیست سال داشته‌اند، نام می‌برد و شرح حال و زندگی هر یک از آنان را به صورت مختصر ذکر می‌کند.در میان این جمعیّت، که بسیاری از آنان قبل از اسلام و شماری پس از اسلام می‌زیسته‌اند - عُمرهایی بین صد و بیست تا سه هزار سال به چشم می‌خورد.مؤلف ارجمند، در پایان این فصل از کتاب خود می‌نویسد:خبرهایی که در مورد افراد دارای عمر طولانی ذکر کردم، اختصاص به شیعه ندارد، بلکه مخالفان ما نیز این خبرها را از طرق مختلف نقل کرده‌اند و بر آن صحه گذارده‌اند. [۶] .از نبی اکرم (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) نیز روایت شده که فرمود:آن چه در میان امّت‌های پیشین روی داده، همانند آن، در میان این امّت نیز وجود خواهد داشت.حال که عمر طولانی در میان پیشینیان به حقیقت پیوسته، چرا برخی قائم آل محمد (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) را به خاطر عُمر طولانی‌اش انکار می‌کنند، بخصوص که در مورد ایشان، خبرهای فراوانی از نبی اکرم (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) و امامان معصوم (علیه‌السّلام) به ما رسیده است؟! [۷] .قابل ذکر است که مرحوم صدوق، مسئله‌ی طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را تنها از طریق «تجربه‌ی تاریخی» و افراد دارای عمر طولانی، مورد بررسی قرار داده، و متعرض سایر ادله‌ای که در بحث طول عمر می‌توان بدان استناد کرد، نشده است.

سده‌ی ۵

شیخ مفید

عالم دیگری که در اویل سده‌ی پنجم ه.ق، به مسئله‌ی طول عمر امام زمان (علیه‌السّلام) پرداخته، محمّد بن محمّد بن نعمان، معروف به «شیخ مفید»، (۳۳۶ - ۴۱۳ ه.ق) است.وی امکان طول عمر را در مورد حضرت مهدی (علیه‌السّلام) از دو دیدگاه مورد

بررسی قرار داده است:نخست، از راه تجربه‌ی تاریخی وارد شده است و جمع زیادی از پیروان ادیان و ملل مختلف را که عمری دراز داشته‌اند، ذکر کرده، سپس با استناد به قرآن، از نوح پیامبر (علیه‌السّلام) نام می‌برد که در میان قوم‌اش، نهصد و پنجاه سال اقامت کرد. [۸].

کراجکی

عالم دیگر سده‌ی پنجم، محمّد بن علی بن عثمان کراجکی (در گذشته‌ی ۴۴۹ ه.ق) است. وی، از جمله‌ی عالمانی است که به تفصیل، پیرامون مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) سخن گفته و اثر مستقلی به نام کتاب البرهان علی صحّة طول عمر الأمام صاحب الزمان تألیف کرده است. [۹] .دانشمند یاد شده، نخست، به قرآن کریم استناد می کند و عمر طولانی نوح و خضر را یادآور می‌شود، سپس از ابلیس نام می‌برد که به تصریح قرآن، از روزگار آدم، و حتّی پیش از آن، تاکنون زنده است.وی، سپس، جمع کثیری از معمّرین را ذکر می کند که از عُمر دراز برخوردار بوده‌اند، و عمر طولانیِ آنان، افزون بر امّت اسلامی، مورد قبول یهودیان و مسیحیان نیز قرار دارد. [۱۰].

شیخ طوسی

سومین دانشمندی که در سده‌ی پنجم، متعرض مسئله‌ی طول عمر شده و برای پاسخگویی به این مشکل، به چاره‌جویی پرداخته، محمّد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه.ق) است.وی، در کتاب الغیبه، مسئله‌ی طول عُمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را از دو منظر مورد بررسی قرار داده است:نخست، به احادیثی تمسک می کند که صاحبان صحاح اهل سنّت در مورد دجّال نقل کرده‌اند که در زمان رسول خدا (علیه‌السّلام) متولّد شده است و به حیات خود ادامه می‌دهد تا در آخر الزمان خروج کند.دوم، به «تجربه‌ی تاریخی» استناد می کند و نمونه‌های متعدّدی از «معمّرین» را ذکر می کند [۱۱].

سده‌ی ۶

امین الاسلام طبرسی

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، از دانشمندان سده‌ی ششم ه.ق است. نظر به این که عمر طولانی هم در قرآن آمده، مانند عمر نوح و مسیح، و هم مورّخان، در تاریخ، از افرادی با عمر طولانی نام برده‌اند، به همین دلیل، دانشمند یاد شده، طول عمر را مسئله‌ای عادی می‌داند و آن را امری خارق العاده به شمار نمی‌آورد و معتقد است که طولانی شدن زمان، وجود حیات را نفی نمی کند.وی، افزون بر استناد به دو دلیل گذشته، به قدرت الهی نیز تمسک می کند و می‌نویسد:حال که ثابت شد که خداوند سبحان، به شماری از انسان‌ها، اعم از پیامبران و غیر آنان، عمر طولانی داده و این اقدام بر خلاف قدرت و حکمت خداوند نیست، چرا عُمر طولانی صاحب الزمان (علیه‌السّلام) انکار می‌شود، بخصوص که او، حجّت خداوند بر بندگان‌اش است و خلیفه‌ی خدا است در زمین؟!آری، خداوندی که به نوح و خضر و عیسی و... عمر طولانی داده، قادر است به امام صاحب الزمان (علیه‌السّلام) نیز عمر طولانی دهد. دانشمند یاد شده، سپس از نگاه اعجاز به مسئله‌ی طول عمر می‌نگرد؛ چرا که پیامبران و امامان، از قدرت اعجاز برخوردارند [۱۲] و ممکن است در مسئله‌ای مانند طول عمر، از آن بهره گیرند. [۱۳].

سده‌ی ۷

خواجه نصیر طوسی

خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷ – ۶۷۲ ه.ق) در بررسی مسئله‌ی طول عمر، از دو دلیل استمداد جسته است:نخست، به دلیل قدرت و علم خداوند تمسک می کند و می گوید، کسی که اعتقاد داشته باشد که خداوند، قادر و عالم است، مسئله‌ی طول عمر نزد او، امری بعید نخواهد بود.سپس، از دلیل «تجربه‌ی تاریخی» بهره می گیرد و از افرادی نام می‌برد که از عمر درازی برخوردار بودند و هم اکنون نیز زنده‌اند، مانند خضر و الیاس (از پیامبران) و دجّال و سامریّ (از شقاوت‌مندان).وی در بیان نتیجه‌ی بحث می‌نویسد:حال که در دو سوی این مسئله، یعنی هم در جانب پیامبران خدا و هم در جانب دشمنان خدا، داشتن طول عمر جایز است، چرا در جانب وسط که اولیای خدا باشند، طول عمر جایز نباشد؟! [۱۴] .

محقق اربلی

علی بن عیسی اربلی (در گذشته‌ی ۶۹۳ ه.ق) مسئله‌ی طول عمر را امری عادی به حساب می‌آورد و برای اثبات آن، نخست، به قرآن کریم استناد. می کند که به صراحت، عمر طولانی را برای نوح پیامبر مورد تأیید قرار داده است. سپس به روایاتی تمسّک جسته است که براساس آن، خضر. طولانی‌ترین عُمر را در میان فرزندان آدم دارد.وی، آن گاه، به تاریخ مراجعه می کند و شمار زیادی از افراد دارای عمر طولانی را نام می‌برد که پیش از اسلام و یا معاصر بعثت رسول اکرم (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) در میان عرب و غیرعرب می‌زیسته‌اند.وی، سپس، به دلیل قدرت خداوند تمسک می کند و طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را در پرتو قدرت الهی، کاملاً، ممکن و عملی می‌داند. [۱۵] .قابل ذکر است که محقّق اربلی. در بحث طول عمر، تا حدود زیادی تحت تأثیر امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی قرار دارد.

ابن میثم بحرانی

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (۶۳۶ – ۶۹۹ ه.ق)، مسئله‌ی طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را نه یک اشکال، بلکه آن را یک استبعاد می‌داند و برای رفع استبعاد، به سه دلیل تمسک می کند:نخست، به «تجربه‌ی تاریخی» استناد می کند و با مراجعه به اخبار معمّرین، مقدار عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام)، و حتّی بیش از آن را امری عادی به حساب می‌آورد. سپس، به قرآن مراجعه می کند و از اقامت نهصد و پنجاه ساله‌ی نوح در میان قوم‌اش نام می‌برد. آن گاه به سنّت مراجعه می کند و از داستان خضر و الیاس و دجال و سامریّ نام می‌برد. حیات این دو پیامبر و حیات دجّال و سامری، مورد اتفّاق فریقین است. [۱۶] .

سده‌ی ۰۸

علامه‌ی حلی

حسن بن یوسف بن مطّهر، معروف به علاّمه‌ی حلّی، (۶۴۸ – ۷۲۶ ه.ق) از بزرگان علمای شیعه در سده‌ی هشتم ه.ق است. [۱۷] .دانشمند یاد شده، مسئله‌ی طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را نه یک اشکال، بلکه یک استبعاد می‌داند، آن هم استبعادی ضعیف.وی، برای رفع استبعاد، به دو دلیل تمسک می کند:نخست، این که امکان عمر طولانی، امری مسلّم و تردیدناپذیر است.دوم این که عمر طولانی، در گذشته‌ی تاریخ، واقع شده است. [۱۸] .

سده‌ی ۱۱

فیض کاشانی

مولی محسن فیض کاشانی (در گذشته‌ی ۱۰۹۱ ه.ق) معتقد است، با وجود خبرهای فراوانی که از پیامبر (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) و امامان معصوم (علیه‌السّلام) در باره‌ی غیبت و طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) رسیده و نزدیک است که به حدّ تواتر برسد، طول عمر آن حضرت، امر شگفت‌آوری نیست. به خصوص که نظیر آن، در میان پیامبران و اولیای الهی، فراوان روی داده است و در میان سلاطین و پادشاهان گذشته نیز نمونه‌هایی از طول عمر به چشم می‌خورد.در خبر صحیح، از رسول گرامی نقل است که فرمود:هر چه در میان امّت‌های پیشین وجود داشته، بدون هیچ کم و کاستی، در میان این امّت نیز نظیر آن وجود خواهد داشت.مرحوم فیض، آن‌گاه مسئله‌ی طول عمر را از دیدگاه قرآن بررسی می‌کند و از نوح پیامبر نام می‌برد که به تصریح قرآن، نهصد و پنجاه سال در میان قوم خود زیسته است. پس از آن، با استناد به حدیثی از امام صادق (علیه‌السّلام) شماری از پیامبران را نام می‌برد که از عمری طولانی برخوردار بوده‌اند.در پایان می‌نویسد:به، اعتقاد اکثر امّت اسلامی، عیسی و خضر، از اولیای خدا و نیز دجال و ابلیس نفرین شده، تاکنون زنده‌اند. [۱۹] .

سده‌ی ۱۲

علامه‌ی مجلسی

طبقات أعلام الشیعهٔ، اقا بزرگ تهرانی، ج ۹، ص ۹۵، با تحقیق علی‌نقی منزوی، چاپ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ه.ق.علّامه محمّد باقر مجلسی (۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ ه.ق) در اثر پر ارج خود، بحارالانوار، بحث طول عمر را طرح می‌کند و در باره‌ی آن به بررسی می‌پردازد.دانشمند یاد شده، در بررسی مسئله‌ی طول عمر، به بیان یک دلیل بسنده و تنها از «تجربه‌ی تاریخی» استفاده می‌کند و شمار زیادی از معمّرین را نام می‌برد. [۲۰] .

سده‌ی ۱۴

محدث نوری

طبقات أعلام الشیعهٔ، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۱، ص ۵۴۳، چاپ علمیّه، نجف اشرف، سال ۱۳۷۵ ه.ق.میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ – ۱۳۲۰ ه.ق) مسئله‌ی طول عمر امام زمان (علیه‌السّلام) را از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده است.نخست، شماری از رجال اهل سنّت را نام می‌برد که اینان در طی اعصار و قرون مختلف، شخصاً، به زیارت امام مهدی (علیه‌السّلام) شرف‌یاب شده‌اند. سپس مسئله را از دید تاریخ مورد بررسی قرار می‌دهد و جمع کثیری از افراد با عمر طولانی را نام می‌برد. وی، آن‌گاه، مسئله را از دید اهل سنّت پیامبر (علیه‌السّلام) مورد بررسی قرار می‌دهد، و از دجّال وابن صیّاد نام می‌برد که دانشمندان سنّت، احادیث آن را در آثار خود نقل کرده‌اند.دانشمند یاد شده، بحث خود را با ذکر چهار تن از پیامبران الهی که دارای عمر طولانی بوده و هنوز زنده‌اند، یعنی عیسی (علیه‌السّلام) و خضر (علیه‌السّلام) و الیاس (علیه‌السّلام) و ادریس (علیه‌السّلام)، به پایان می‌برد. [۲۱] .

لطف اللّه صافی گلپایگانی

دانشمند یاد شده، مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) را نه یک ایراد، بلکه آن را یک استبعاد می‌داند که از سوی برخی از دانشمندان اهل سنّت مطرح گشته است.ایشان، استبعاد در امور علمی و مطالب اعتقادیی را که با دلایل قطعی، اعم از عقلی و نقلی،

به اثبات رسیده، نوعی بدگمانی به قدرت خداوند می‌داند. وی، امکان طول عمر را از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.او، نخست، مسئله‌ی طول عمر را از دید قدرت الهی مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس، طول عمر را از دید قران کریم و سنّت شریف به بحث می‌گذارد و آن‌گاه مسئله را از دید تجربه‌ی تاریخی، مورد کاوش قرار می‌دهد، و سرانجام، مسئله را از دیده علم تجربی می‌نگرد. [۲۲] .

استاد محمدرضا حکیمی

دانشمند یاد شده، مسئله‌ی طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را از نظر گاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است.نخست، مسئله را از دید علوم تجربی و زیست شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد و نمونه‌ای از نظر برخی از زیست شناسان را در مورد این که عمر بشر، اندازه و حدّ ثابتی ندارد، نقل می‌کند.سپس، مسئله را از منظر قوانین طبیعی مورد بحث قرار می‌دهد و اثبات می‌کند که قوانین طبیعت، طول عمر زیاد را نفی نمی‌کند. آن‌گاه، طول عمر را از دید تجربه‌ی تاریخی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که در تجربه‌ی تاریخ طولانی بشر، زیاد بوده‌اند افرادی که از عمر طولانی برخوردار بوده‌اند.در ادامه‌ی بحث، به معرّفی شماری از کتب تاریخ می‌پردازد که در آن، نام برخی از معمّرین ذکر شده است.پس از آن، نمونه‌هایی از طولانی بودن عمر را که در عصر حاضر روی داده، ذکر می‌کند، و در بحث زیبایی نشان می‌دهد که میان پیری و مرگ، ارتباطی قطعی و رابطه‌ای کلّی وجود ندارد، همچنان که میان طول عمر و پیری نیز رابطه‌ای قطعی و کلّی وجود ندارد.وی، آن‌گاه، به بررسی اسرار تغذیه و نقش آن در سلامت و طول عمر انسان می‌پردازد.دانشمند یاد شده، سپس سخن تنی چند از دانشمندان علوم تجربی و فلاسفه و حکمای اسلامی را در مورد امکان طول عمر نقل می‌کند و بحث خود را با بررسی طول عمر از دید قدرت الهی، پایان می‌دهد.قابل ذکر است که در اثر استاد حکیمی، مباحث سودمندی در موضوع طول عمر و سایر زمینه‌های بحث مهدویّت، وجود دارد. [۲۳] .

علامه شهید سید محمدباقر صدر

دانشمند یاد شده در یک بحث عالمانه و زیبا، مسئله‌ی طول عمر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) را نخست از دیدگاه امکان علمی و امکان فلسفی یا منطقی، مورد بررسی قرار می‌دهد و امکان زندگانی هزاران ساله برای انسان را از نظر منطقی، ممکن می‌داند، زیرا، این مسئله، از نظر عقلی، محال نیست و در آن تناقضی هم وجود ندارد، زیرا، زندگی، مفهومی است که مرگِ زودرس را در خود نهفته ندارد.وی، سپس، مسئله را از نگاه دانش روز مورد بررسی قرار می‌دهد، و می‌گوید:دانش امروز نیز دلیلی نمی‌بیند که امکان عمر طولانی را از جنبه‌ی نظری نفی کند، و از نظر علمی، عقب انداختن پیری، امری است کاملاً ممکن.او، آن‌گاه، مسئله‌ی طول عمر را از دید اعجاز مورد بررسی قرار می‌دهد و از قوانینی نام می‌برد که تاکنون به خاطر مصالحی تعطیل شده و از کار افتاده است. مانند این‌که آتش از سوزاندن ابراهیم (علیه‌السّلام) خودداری و بر او سرد می‌شود؛ دریا برای موسی (علیه‌السّلام) شکافته می‌شود. کار بر رومیان مشتبه می‌گردد و گمان می‌کنند که عیسی (علیه‌السّلام) را دستگیر کرده‌اند، در حالی که او را دستگیر نکرده بودند...هر یک از این موارد، نشانه‌ی تعطیل شدن یکی از قوانین طبیعی است تا از فردی که حکمت خداوندی نگهداری او را لازم می‌شمرد، پشتیبانی شود. اکنون چه عیب دارد که قانون پیری و فرسودگی نیز یکی از این نمونه‌ها باشد؟نتیجه این که هر گاه پاسداری از زندگی یکی از حجّت‌های خداوند برای ادامه‌ی رسالت‌اش ضروری باشد،الطاف خداوند دخالت می‌کند و برای نگهداری‌اش، یکی از قوانین طبیعی را به حالت تعطیل در می‌آورد. [۲۴] .

استاد ابراهیم امینی

دانشمند یاد شده، نخست، مسئله‌ی طول عمر امام مهدی (علیه‌السّلام) را از دید علم مورد بررسی قرار می‌دهد و عواملی مانند وراثت و محیط، و نوع شغل، و کیفیّت تغذیه را در طول عمر انسان موثر می‌داند.سپس، طول عمر را در گیاهان و حیوانات مورد بررسی قرار می‌دهد و نمونه‌هایی از درختان را ذکر می‌کند که هزاران سال از عمر آنان می‌گذرد، لکن هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند.نامبرده، سپس، به قرآن مجید مراجعه می‌کند و از عمر نوح نام می‌برد که خداوند به صراحت، از عمر نهصد و پنجاه ساله‌ی این پیامبر الهی در میان قوم‌اش سخن گفته است.وی، سپس، به تاریخ مراجعه می‌کند و شماری از انسان‌های با عمری طولانی را که در روزگاران گذشته می‌زیسته‌اند نام می‌برد و به بحث خود پایان می‌دهد. [۲۵] .

طول عمر از منظر قرآن کریم

اشاره

در قرآن کریم - که محکم‌ترین سند اسلامی است - به افرادی بر می‌خوریم که از عُمری دراز و غیرطبیعی برخوردار بوده‌اند.شماری از افراد که در قرآن، دارای عمری طولانی شمرده شده‌اند، عبارت‌اند از:

نوح

قرآن، در بارهی نوح می‌گوید:«ولقد أرسلنا نوحاً إلی قومه فلبث فیهم ألف سنهٔ إلّا خمسین عاماً» [۲۶] ؛ و به راستی، نوح را به سوی قوم‌اش فرستادیم، پس در میان آنان، نهصد و پنجاه سال درنگ کرد.چنان‌که می‌بینید، قرآن، با صراحت، عُمر نهصد و پنجاه ساله را برای حضرت نوح مورد تأیید قرار می‌دهد.

عیسی بن مریم

قرآن، در مورد حضرت عیسی (علیه‌السّلام) می‌گوید:«وقولهم انّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولکن شبّه لهم و إنّ الذین اختلفوا فیه لفی شکٍّ منه مالهم به من علم إلّا اتباع الظن وما قتلوه یقیناً - بل رفعه الله إلیه وکان الله عزیزاً حکیما - و إن من أهل الکتاب إلّا لیومننَّ به قبل موته ویوم القیامهٔ یکون علیهم شهیداً- [۲۷] »؛ و گفته‌ی ایشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوب‌اش نکردند، لکن امر، بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره‌ی او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شکّ شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا بُرد، و خدا توانا و حکیم است. و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.آیات یاد شده صراحت دارد در این که اهل کتاب، عیسی را نکشته‌اند، بلکه امر بر آنان مشتبه شده و خداوند او را زنده به سوی خود بالا برده است.جمعی از دانشمندان اهل سنّت، در ذیل «ولکن شبّه لهم» از مجاهد [۲۸] نقل کرده‌اند که گفت:صلبوا رجلاً غیر عیسی شبه بعیسی یحسبونه إیاه، ورفع الله إلیه عیسی حیّاً [۲۹] ؛ مردی غیر از عیسی (علیه‌السّلام) را که شباهت به عیسی داشت، به دار آویختند و گمان کردند که او عیسای مسیح است. و خداوند عیسی را زنده به سوی خود بالا برد.شماری از حافظان حدیث، از ابن عباس و ابو هریره نقل کرده‌اند:«انْ من أهل الکتاب الّا لیومننّ به قبل موته»؛ یعنی، اهل کتاب، قبل از موت عیسی (علیه‌السّلام) به او ایمان می‌آورند. [۳۰] .دانشمند اهل سنّت گنجی شافعی، این آیه را دلیل بر حیات و بقای عیسی (علیه‌السّلام) می‌داند و می‌نویسد:از هنگام نزول آیه، تاکنون، کسی به عیسای مسیح ایمان نیاورده است، پس به ناچار باید این قضیّه پس از این، و در آخر الزمان روی دهد. [۳۱] .از سوی دیگر، نزول

عیسای مسیح در آخر الزمان و نماز گزاردن حضرت عیسی پشت سر حضرت مهدی (علیه‌السّلام) نیز حقیقتی است که مورد اتّفاق مسلمانان است، و شمار زیادی از محدّثان اهل سنّت، از جمله بخاری و مسلم و صاحبان صحاح دیگر، احادیث مربوط به این واقعه را با سند صحیح، در اثار خود ثبت کرده‌اند. [۳۲] .نمونه‌هایی از احادیث یاد شده چنین است:عن جابر بن عبدالله، قال (علیه‌السّلام): «لا تزال طائفهٔ من أمّتی یقاتلون علی الحقّ ظاهرین إلی یوم القیامهٔ.». قال: «فینزل عیسی بن مریم (علیه‌السّلام) فیقول أمیرُ هُم: تعال صَلِّ بنا (لنا).، فیقول: لا: إنّ بعضکمُ علی بعض أمیرٌ لیُکرم الله هذه الأمّهٔ»؛ [۳۳] .«همواره، جمعی از امّت من، در راه حق مبارزه می‌کنند (و مبارزه‌ی حق علیه باطل تا قیامت ادامه دارد.) فرمود: «سپس عیسی بن مریم (علیه‌السّلام) فرود می‌آید. فرمانده و پیشوای آنان به عیسی می‌گوید: بیا برای ما نماز بخوان، عیسی پاسخ می‌دهد: نه؛ برخی از شما بر برخی دیگر امیر و فرمانده‌اید. و این بدان جهت است که خداوند، این امّت را گرامی داشته است.».ابو هریره، از رسول خدا (علیه‌السّلام) نقل می‌کند که فرمود:«کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکمْ؟ [۳۴] چه‌گونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خودتان باشد؟»مقصود از «امام»، در این جا، حضرت مهدی (علیه‌السّلام) است.ابوسعید از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود:منّا الذی یصلّی عیسی بن مریم خلفهُ [۳۵] ؛ از ما است آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد.ابن ابی شیبه، از ابن سیرین نقل می‌کند که گفت:المهدی من هذه الامّهٔ وهو الذی یؤمّ عیسی بن مریم (علیه‌السّلام) [۳۶] ؛ مهدی، از این امّت است و او، کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد.مرحوم محدث نوری می‌نویسد:نظر مشهور میان دانشمندان خاصّه و عامّه، آن است که عیسی (علیه‌السّلام) در آسمان باقی و زنده است به همان حیاتی که در زمین داشته است. زنده به آسمان بالا رفت و شربت مرگ نچشید و نخواهد چشید تا آن که در آخرالزمان فرود آید و پشت سر مهدی (علیه‌السّلام) نماز، گزارد. [۳۷] .حال اگر تاریخ میلادی، از صحّت و دقّت کافی برخوردار باشد، عُمر عیسای مسیح، اکنون، حدود دو هزار سال است. با این وجود، عُمر ۱۱۵۰ سال برای حضرت مهدی (علیه‌السّلام) امر بعیدی نخواهد بود.

خضر

یکی از کسانی که عُمر طولانی دارد، حضرت «خضر» است. وی، یکی از پیامبران الهی است. معجزه‌ی این پیامبر، این بود که روی هیچ چوب خشک یا زمین بی‌علفی نمی‌نشست، مگر آن که سبز و خرم می‌شد. او را به همین جهت «خضر» نامیده‌اند. [۳۸] گرچه در قرآن، از وی، به صراحت یاد نشده است، امّا داستان ملاقات و همراهی موسای کلیم با این بنده‌ی دانا و با تجربه‌ی خداوند، در سوره‌ی کهف آمده است. مفسران فریقین، در ذیل آیه‌ی شصت و پنج کهف، یعنی «فوجدا عبداً من عبادنا آتیناه رحمهٔ من عندنا وعلّمناه من لدُنّا علماً»، گفته‌اند، مقصود از «عبد خدا» «خضر» است. [۳۹] از روایات امامان اهل بیت (علیه‌السّلام) چنین بر می‌آید که خضر، از دنیا نرفته و هنوز زنده است. [۴۰] .اعتقاد به زنده بودن خضر، اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه در میان اهل سنّت نیز عقیده‌ای پذیرفته شده است.دیار بکری، مورّخ معروف سنّی، می‌نویسد: «جمهور علما، بر این عقیده‌اند که خضر زنده است». [۴۱] .علاّمه‌ی گنجی شافعی می‌نویسد: «حیات و بقای خضر، مورد اتّفاق دانشمندان اهل سنت است». [۴۲] .شمن الحق عظیم آبادی می‌نویسد: «هیچ ایرادی بر طولانی بودن عُمر مهدی (علیه‌السّلام) و ادامه یافتن روزهای زندگی‌اش وارد نیست، چنان‌که عیسی و خضر، هر دو، دارای عُمر طولانی‌اند و زنده‌اند.». [۴۳] .شیخ مفید، در مورد حضرت خضر می‌نرسید:وهو الخضر (علیه‌السّلام)، موجود قبل زمان موسی (علیه‌السّلام) إلی وقتنا هذا، بإجماع اهل النقل واتّفاق أصحاب السیر و الأخبار، سائحاً فی الأرض، لایعرف له أحد مستقراً ولا یدعی له اصطحاباً، إلّا ما جاء فی القرءان به من قصّتِهِ مع موسی (علیه‌السّلام) [۴۴] .زنده بودن خضر، از قبل از زمان موسی (علیه‌السّلام) تا زمان ما، مورد اتّفاق سیره‌نویسان و مورّخان است. وی، در زمین سیر می‌کند و کسی محلّ زندگی او را نمی‌داند، و کسی ادعا نکرده که یار و همراه او باشد، جز آن‌چه در قرآن در داستان موسی و خضر آمده است.شیخ ابی علی فضل

بن حسن طبرسی (از دانشمندان سده‌ی ششم هجری) می‌نویسد:وقد تظاهرت الأخبار بأنّ أطول بنی آدم عُمراً الخضر (علیه‌السّلام). واجمعت الشیعهٔ و أصحاب الحدیث، بل الّامهٔ بأسرها، ما خلا المعتزله والخوارج، علی أنّه موجود فی هذا الزمان، حیٌّ کامل العقل ووافقهم علی‌ذالک أکثر أهل الکتاب [۴۵] .مجموعه‌ی روایات، مؤیّد آن است که خضر، طولانی‌ترین عُمر را در میان فرزند آدم دارد. شیعه و اصحاب حدیث، بلکه همه‌ی امّت، به جز معتزله و خوارج، بر این باوراند که خضر، در زمان ما موجود و زنده است، و از عقل کامل برخوردار است. در این عقیده، بیش‌تر اهل کتاب نیز با آنان هم رأی‌اند.کراجکی در کنز الفوائد می‌نویسد:و قد أجمع المسلمون علی بقاء خضر (علیه‌السّلام) من قبل زمان موسی (علیه‌السّلام) إلی الآن، و أنّ حیاته متّصلهٔ إلی آخر الزمان. وما أجمع علیه المسلمون فلا سبیل إلی دفعه بحالٍ من الأحوال [۴۶] .بقای خضر، از قبل از زمان موسی (علیه‌السّلام) تا زمان حاضر، و ادامه‌ی حیات‌اش تا آخر الزمان، مورد اتّفاق مسلمانان است. آن چه مورد اتّفاق مسلمانان واقع شود، به هیچ روی، نمی‌توان آن را نادیده گرفت.میرزا حسین طبرسی نوری نیز می‌نویسد:اهل اسلام. به اتفاق، معتقدند که حضرت خضر (پیامبر خدا) باقی و زنده است و چند هزار سال از عُمر وی می‌گذرد. [۴۷] .

اصحاب کهف

جمع دیگری که قرآن کریم به عُمر طولانی آنان تصریح کرده، اصحاب کهف‌اند. قرآن در مورد آنان می‌گوید:«ولبثوا فی کهفهم ثلاثمئهٔ سنین وازدادوا تسعاً» [۴۸] ؛ و سیصد سال، در غارشان، درنگ کردند و نُه سال [نیز بر آن افزودند.چنان‌که می‌بینید، قرآن، به حیات و بقای اصحاب کهف بیش از سه قرن آن هم در خواب و بدون آب و غذا، تصریح می‌کند. به راستی، کدام یک شگفت‌انگیزتر است: کسی که سیصد سال بدون آب و غذا زنده مانده یا کسی که صدها سال باقی مانده، امّا غذا می‌خورد، آب می‌آشامد، راه می‌رود، می‌خوابد و بیدار می‌شود؟

از منظر روایات

سنّت رسول خدا نیز بر طول عُمر انسان، صحّه می‌گذارد و آن را امری ممکن می‌شمارد. یکی از کسانی که در سنّت پیامبر، به طول عُمر او اشاره شده، «دجّال» است. اهل سنّت، براساس همین روایات، عقیده دارند که دجّال در عصر پیامبر (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) متولّد شده و به زندگی خود ادامه می‌دهد تا در آخرالزمان خروج کند.احمد بن حنبل، با ذکر سند، به نقل از رسول خدا (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) می‌نویسد:لقد أکل الطعام ومشی فی الأسواق، یعنی الدجال [۴۹] ؛ دجّال زنده است و غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود.در روایت دیگری آمده است.هو ابن صائدٍ الذی ولد بالمدینهٔ [۵۰] ؛ دجّال، همان ابن صیّادات که در مدینه متولّد شده است.بخاری آورده است:عن محمّد بن المنکدر، قال: «رأیتُ جابر بن عبدالله یحلف بالله أنّ ابن الصائد الدجّال.». قلت: «تحلّف بالله؟ «قال: «إنّی سمعت عمر یحلف علی ذالک عند النبی (علیه‌السّلام)، فلم ینکره النبی (علیه‌السّلام) [۵۱] .محمّد بن منکدر می‌گوید: «جابر بن عبدالله را دیدم که سوگند یاد می‌کرد بر این که ابن صیاد، همان دجّال است.» گفتم: «به خدا سوگند می‌خوری؟». گفت: «من شنیدم که عمر، نزد رسول خدا سوگند یاد کرد [که ابن صیاد، همان دجال است و رسول خدا سخن او را انکار نکرد.».در سنن ابی داود آمده است:عن ابن عمر، أنّه کان یقول: «والله! ما أشکُ أنّ... الدجال ابن صیاد» [۵۲] ؛ عبدالله بن عمر همواره می‌گفت: «به خدا سوگند! تردیدی ندارم که... دجال همان ابن صیّاد است.».عبدالله بن عمر، در حدیث دیگری نقل می‌کند که رسول گرامی (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) با شماری از یاران خود از کنار ابن صیاد می‌گذشت؛ حضرت به او فرمود:«اَتشهد أنّی رسول الله؟». فنظر إلیه ابن صیّاد فقال. «أشهد أنّکَ رسول الأمیّین...» [۵۳] ؛ «آیا گواهی می‌دهی که من فرستاده‌ی خدایم؟». این صیاد نگاهی به رسول خدا کرد و گفت: «شهادت می‌دهم که تو رسول درس نخوانده‌ها هستی»...چنان که ملاحظه می‌کنید، در

همه‌ی این مصادر، به صراحت آمده که دجّال، همان ابن صیاد است که در روزگار رسول خدا در مدینه متولّد شده است. این مطلب نیز مسلّم و مورد اتفاق است که خروج دجال، در آخر الزمان خواهد بود. پس به ناچار، باید او در همه‌ی این زمان‌های طولانی، زنده باقی بماند تا زمان خروج او فرا رسد.جالب این که این روایات را فقط منابع روایی اهل سنّت نقل کرده‌اند. حال اگر این احادیث صحیح باشد. چنان که اهل سنّت بر این باوراند، در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عُمر طولانی امام مهدی (علیه‌السّلام) تردید کنند، به خصوص با توجّه به این که در احادیث ابن صیّاد تردید وجود دارد، ولی در احادیث مهدی (علیه‌السّلام)، هیچ تردیدی وجود ندارد.نیز، حال که دشمن خدا، به خاطر مصالحی، می‌تواند بیش از هزار سال زنده بماند، چرا بنده و خلیفه‌ی و ولیّ خدا نتواند عُمر طولانی داشته باشد؟ [۵۴] .ثوبان، از رسول خدا (علیه‌السّلام) نقل می‌کند که فرمود:... فإذا رأیتموهُ فبایعوهُ ولو حبواً علی الثلج؛ فإنّه خلیفهُ الله المهدی (علیه‌السّلام) [۵۵] ، هر گاه او را دیدید، با او بیعت کنید حتّی اگر لازم باشد سینه‌خیز از روی برف عبور کنید؛ چرا که مهدی، خلیفه‌ی خدا است.

از منظر عقل

افزون بر کتاب و سنّت، عقل سلیم نیز، طول عُمر را برای انسان، ناممکن نمی‌داند، بلکه آن را امری کاملاً ممکن می‌شمارد. حکما و فلاسفه گفته‌اند، بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شده آن چیز است. همین که طول عُمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد زیادی را به ما نشان می‌دهد که عُمری دراز داشته‌اند، خود دلیل روشنی است بر این که طول عمر، از دیدگاه عقل امری ممکن است.خواجه نصیر طوسی می‌گوید:طول عمر، در غیر مهدی (علیه‌السّلام) اتفّاق افتاده و محقّق شده است. چون چنین است، بعید شمردن طول عُمر در مورد مهدی (علیه‌السّلام) جهل محض است. [۵۶] .علاّمه‌ی طباطبایی می‌نویسد:هیچ قاعده و برهان عقلی‌ای وجود ندارد که بر محال بودن طول عُمر دلالت کند. به همین جهت، نمی‌توانیم طول عمر را انکار کنیم. [۵۷] .

تجربه‌ی تاریخی

واقعیّت دیگری که در شناخت مسئله‌ی «طول عُمر» و امکان آن، باید مورد نظر باشد، تجربه‌ی تاریخ طولانی بشریّت است. اگر مسئله‌ی طول عمر، در تاریخ زندگی بشر اتّفاق افتاده باشد – اگر چه در مواردی نه چندان زیاد – تکرار موارد یا موردِ مُشابِهِ آن، امری طبیعی و معقول و قابل تحقّق و قبول خواهد بود.این مطلب نیز روشن است که نقل تاریخی، بویژه نقل مُتواتر و مشهور، سبب یقیین و باور می‌گردد. ما می‌بینیم که کتب تاریخی، افراد زیادی از «مُعَمّرین» را نام برده‌اند و احوال و زندگی آنان را ثبت کرده‌اند. این‌گونه افراد، هم در میان افراد عادی بوده‌اند و هم در میان مشاهیر تاریخ و پیامبران.پس مسئله‌ی امکان عمر طولانی، و تحّقق یافتن آن در موارد متعدّد، امری است که از نظر وقوع خارجی و تحقّق عینی نیز مصداق‌هایی دارد، و از نظر نقل تارخی، قطعی و مسلّم است.البته، عمر بشر، به طور متعارف، اندازه‌ای معین و نوسانی محدود دارد، لکن آن چه از طرح مسئله‌ی «معمّرین» مقصود است، این است که نشان داده شود که مقدار عُمر دو جریان دارد:۱– جریان معمولی و متعارف، که در اغلب افراد انسان وجود داشته است و وجود دارد.۲– جریان غیرمعمولی و استثنایی که در پاره‌ای از افراد انسان وجود داشته است و وجود دارد. [۵۸] .اکنون نظر خوانندگان گرامی را به نمونه‌هایی از افرادی که در گذشته‌ی تاریخ، دارای عُمر طولانی بوده‌اند جلب می‌کنم:۱– آدم (علیه‌السّلام)؛ مقدار عمر آدم را نهصد و سی تا هزار سال نوشته‌اند. [۵۹] .۲– شیث بن آدم؛ وی نهصد و دوازده سال عمر کرده است. [۶۰] .۳– انوش بن شیث؛ عمر وی را نهصد و پنجاه سال نوشته‌اند. [۶۱] .۴– قینان بن انوش، وی، نهصد و بیست سال عمر کرده است. [۶۲] .۵– یرد بن مهلاییل، عمر وی را نهصد و شصت و دو سال نوشته‌اند. [۶۳] .۶– متوشلح (یا متوشالح)، وی، ۹۶۹ سال عُمر داشته است. [۶۴] .علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع بیشتر به کتابهایی که در این زمینه نوشته شده مراجعه کنند. [۶۵] .

از نگاه علوم تجربی

در این مقام، می‌خواهیم ببینیم آیا برهانی علمی یا قانونی آزمایشی، و صد در صد کلّی، وجود دارد که ثابت کند طول عمر امری است غیر قابل وقوع، یا نه، بحث را در دو بخش تقدیم می‌کنیم:چند مقدمه ۱- در قوانین طبیعی، در مورد مقدار عمر طبیعی بشر، هیچ اصل ثابت و غیر قابل تغییری وجود ندارد. به همین دلیل، دانشمندان علوم تجربی، همواره، در حال مطالعه و آزمایش‌اند و می‌کوشند تا متوسط طول عمر انسان را افزایش دهند. بدون شک، اگر مقدار عمر طبیعی انسان، دارای اصول ثابت و غیرقابل تغییری بود، این مطالعات و آزمایش‌ها معنا و مفهومی نداشت.جالب این که تحقیقات آنان با توفیقاتی نیز همراه بوده است و توانسته‌اند در طی چند دهه‌ی اخیر، با همگانی کردن و افزایش بهداشت و سلامت جامعه، سلسله‌ای از بیماری‌ها و مرگ و میرها را مهار کنند و کاهش دهند.۲- دانشمندان، با تحقیقاتی که به عمل آورده‌اند، موفّق شده‌اند عمر برخی از حشرات را تا نهصد برابر عمر طبیعی آن، افزایش دهند. اگر این قضیّه، روزی در مورد انسان به حقیقت به پیوندد، عُمر هزار ساله برای انسان، امری پیش پا افتاده خواهد بود. [۶۶] .۳- دانشمندان می‌گویند، پیری، چیزی جز فرسوده شدن سلول‌های بدن نیست و اگر روزی بشر بتواند سلول‌های بدن انسان را جوان نگهدارد، خواهد توانست به راز طول عُمر دست یابد و از عمری دراز برخوردار گردد.۴- از نظر دانش جدید، جسم انسان برای سالیانی دراز، دارای قابلیّت حیات و بقا است. دانشمندانی که نظریات آنان مورد اعتماد است می‌گویند، همه‌ی بافت‌های اصلی، در جسم انسان و حیوان، تا بی‌نهایت قابلیّت بقا دارد و از این حیث، کاملاً ممکن است که انسانی هزاران سال زنده بماند. البته مشروط به این که عوارضی بر او عارض نشود که ریسمان حیات او را پاره کند. [۶۷] .این قضیّه، از پشتوانه‌ی دینی مطمئنی نیز برخوردار است. سالم ماندن جسم پیامبران و امامامن و اولیا و عالمان ربّانی و شهیدان راه خدا و صالحان، دلیل بر درستی این مطلب است.ده‌ها و صدها مورد از این گونه جسدها را در ایران و سایر کشورهای اسلامی می‌توان یافت که صدها بلکه هزاران سال از درگذشت آنان می‌گذرد، لکن هنوز بدن آنان سالم باقی مانده است. از آن جمله است، جسد «حیقوق نبی» که از پیامبران بنی اسراییل و از پیروان موسی کلیم (علیه‌السّلام) بود، و بیش از دو هزار سال از درگذشت وی می‌گذرد.مرقدش در کشور ما و در «تو یسر کان» [۶۸] قرار دارد. قبر ایشان، در سال‌های اخیر، از سوی سارقان آثار باستانی و فرهنگی، حفاری و تخریب می‌شود و بدن این پیامبر الهی نمایان می‌گردد. مسئولان شهر که برای دفن مجدد جسد در محل حاضر می‌شوند، از نزدیک دیده‌اند که بدن وی کاملاً سالم بوده است.این قضیّه، در کشور ما، در مورد امامزادگان و عالمان ربّانی و... بارها تکرار شده است.چنان‌که اشاره شد، این قضیّه. حدّاقل، در مورد پیامبران، دارای پشتوانه‌ی دینی است. فریقین، از رسول خدا (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) نقل کرده‌اند که فرمود:خداوند، گوشت ما پیامبران را بر زمین حرام کرده و زمین چیزی از آن را نمی‌خورد.در بحارالانوار آمده است:رسول خدا، روزی به یاران‌اش فرمود: زندگی و مرگ‌ام برای شما مایه خیر و برکت است. حیات من، باعث هدایت شما از گمراهی و نجات شما از آتش شد. و مرگ من، برای شما خیر است، برای این است که اعمال شما بر من عرضه می‌شود و از خداوند می‌خواهم اعمال نیکو و شایسته‌ی شما را افزایش دهد و نسبت به اعمال نکوهیده‌ی شما از خداوند طلب آمرزش می‌کنم.».مردی از منافقان به پیامبر عرض کرد: «ای پیامبر خدا! چه‌گونه چنین امری ممکن است، حال آن که بدن شما متلاشی و تبدیل به خاک خواهد شد؟!». پیامبر فرمود: «کلّا! إنَّ الله حرّم لحومنا علی الأرض فلا یطعم منها شیئاً [۶۹] .چنین نیست! خداوند، گوشت ما پیامبران را بر زمین حرام کرده است و زمین چیزی از آن را نمی‌خورد.».اهل سنّت نیز همین مضون را در آثار خود آورده‌اند. آنان از رسول خدا (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسلّم) نقل کرده‌اند که فرمود:جمعه، از بهترین روزهای شما است. در روز جمعه، بر من زیاد صلوات بفرستید که صلوات شما بر من عرضه می‌شود.». گفتند: «ای رسول خدا! چه‌گونه صلوات ما بر شما عرضه می‌شود، در حالی که بدن شما متلاشی و تبدیل به خاک خواهد شد؟!». حضرت فرمود: «حرّم الله علی الأرض أنْ تأکل أجساد

الأنبیاء؛ خداونـد، خـوردن جسـد پیـامبران را بر زمین حرام کرده است. [۷۰] .یـک بحث تکمیلی تردیـدی نیست که رعـایت قوانین مربوط به بهـداشت و دانش تنـدرستی، اعم از آن‌چه دین به انسانها توصیه می کند، یا آن چه از دسـتاوردهای دانش بشـری است – می‌تواند نقش مهمی در سـلامت و طول عمر انسان ایفا کند. همچنان که عدم رعایت قوانین یاد شده، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در کاهش عمر انسان داشـته باشد.حال که رعایت قوانین بهداشتی و سلامتی، موجب سلامت و طول عمر انسان می‌شود، هر قدر که قوانین یاد شده بهتر و با دقّت بیش‌تری رعایت شود، به همان نسـبت، صحّت و طول عمر انسان نیز افزایش خواهد یافت.همچنین این کـه نحوه‌ی زنـدگی و مکـانی کـه در آن زنـدگی می‌کنـد، در صـحّت و طـول عمر انســان نقش دارد، امری کاملاًـ محسوس است.بنابراین، اگر موجبات صـحت و سلامتی انسان از هر نظ فراهم شود، عمر انسان طولانی خواهد شد.اساس این عوامل و اسباب، پنج چیز است:۱– آن که از هنگامی که مادّه‌ی وجود انسان در صُلب پـدر قرار دارد، و زمانی که از صـلب پدر به رحم مادر انتقال می‌یابد و در آن جا به رشد و نموّ می‌پردازد، و هنگامی که در دامن مادر شیر می‌خورد، پدر و مادر، اقدامات لازم را برای صحّت و سلامت فرزنـدشان به عمل آورند.چه بسا فرزندانی که در دوران کودکی یا جوانی دچار بیماری و مرگ می‌شوند، و این بیماری از پدر و مادر به آنان انتقال یافته است، یا آن که پدر و مادر، مراقبت‌های لازم را در مور حفظ سـلامت فرزند خود به عمل نیاورده‌اند. و همین قضیّه موجب بیمـاری فرزنـدشان شـده است. در این صورت، عامـل بیماری و بی‌نصیب مانـدن فرزنـد، از حیات و زنـدگی طبیعی، پدر مادراند.۲– دومین عـاملی که در سـلامت و طول عمر انسان نقش مهمّی بر عهـده دارد، اسـتفاده‌ی صـحیح از هوا، آب، غـذا، لبـاس، مکانی است که در آن زنـدگی می‌کنـد. رعایت قوانین صـحّت و سـلامت، در هر یک از موارد یاد شـده، از علل مهم صحّت و طـول عمر انسـان اسـت. و چـه بسـا انسانهـایی کـه بیمـاری و مرگ آنـان از عـدم مراعـات مـوارد یـاد شـده نشئت گرفته اسـت.پزشـکان می‌گوینـد، بسیاری از کسـانی کـه می‌میرنـد، بـا اجـل طـبیعی از دنیـا نمی‌رونـد، بلکـه مرگ‌شـان بر اثر عـوارض و بیماری‌هایی است که از عدم رعایت اصول سـلامت، در یکی از امور فوق نشئت گرفته است. [۷۱] .۳– چنان که اشاره شد، یکی از امور مهم در مقابله با پیری و مرگ، تغـذیه است. تغـذیه، دارای انواعی است. اسـتفاده از نور خورشـید و سـتارگان، در امر سـلامت جسم، و توانایی آن برای بقا، تأثیرهایی عظیم دارد. دانستن روش استفاده از نور و اشعه، در کار استوار ساختن نیروهای بدنی و سالم نگاهـداری آن‌هـا، امری مهم و رازی عظیم است.مسـئله‌ی دیگر، مسئله‌ی ادویه و ترکیبـات آن‌هـاست که در آن فوایـد مهمی نهفته است. گاه، ممکن است دراز عمری، مستند به راز نهفته در خوراک‌ها و آب‌های موجود در طبیعت باشد، البته اگر کسی علم آن را داشـته باشد. [۷۲] .۴– نیز طـول عُمر هر فرد، بسـتگی دارد به صـحّت قـوای مزاجی او. هر مقـدار که مزاج، صـحیح و قـوی‌تر باشـد، مقتضـی بقا، بیش‌تر خواهد بود. تولید مزاج قوی در انسان و صـحّت آن، به واسطه نور، اب، هوا، خاک، اغذیه، ادویه،... است. بقا و صلاـح مزاج، در هر آنی، محتـاج حفـظ اعتـدال است. پس چه مـانعی دارد کسـی در قوای روحی و علمی، چنـان قوی باشـد که به کیفیّت تولیـد مزاج صـحیح و قوی، و حفظ آن، و خصوصـیات نافع و مضـر مزاج علم داشـته باشد و مزاج خود را به حد اعدال نگاه دارد، و به زندگانی خود بیتشر ادامه دهد؟ [۷۳] .۵– حوادث و رویـدادهای طبیعی و سـرما و گرمای خارج از حد متعارف و درد و رنج و بیماری‌ها و مصـیبت و غم و اندوه و... از جمله اموری هسـتند که در حفظ صحّت یا عدم صحّت انسان، و نیز در طولانی‌شدن یا کوتاهی عُمر انسان، تأثیر کامل دارنـد. چه بسا انسان‌هایی که بر اثر سـرما و گرما یا شـدت درد و بیماری جان باخته‌اند یا حوادثی ماننـد رنـج‌ها و مصیبت‌ها یا غصّه و اندوه‌ها، از آنان سلـب حیات کرده است.حال اگر انسانی پیدا شود که همه‌ی قوانین و مقرّرات سلامتی را خوب رعایت کنـد، چرا نتواند صدها بلکه هزاران سال عُمر کند؟ [۷۴] .بله؛ این که می‌گوئیم طول عُمر صدها ساله برای انسـان، خلاـف عادت است، به این معنا است که اجتماع اسـباب حفظ صـحّت و سـلامت انسان، از همه‌ی جهات و خصوصـیّاتی که پیش از این به آن اشـاره شـد، امری است که به نـدرت رخ می‌دهـد و برای اکثر مردم، در غـالب زمان‌هـا و مکان‌ها، چنین شـرایطی اتفاق نمی‌افتـد، لکن اگر فرض کنیم که همه‌ی شـرایط یاد شـده، برای فرد یا افرادی فراهم شود، در این صورت، عمر طولانی امری

عادی و بر طبق ناموس طبیعت خواهد بود.

در قلمرو قدرت الهی

چنـان که دیـدیم، قرآن کریم و سنّت شـریف و عقـل و تجربه‌ی تاریخی و دانش جدیـد، بر امکان و وجود عمر طولانی برای انسان صحّه گذارده‌انـد و آن را به رسـمیّت شـناخته‌اند.افزون بر طرق یاد شـده، راه دیگری نیز برای این که یک انسان بتواند عمر طولانی داشـته باشـد و جود دارد. این راه، همان راه اعجاز و قـدرت خداونـد است.آری، حضـرت مهدی (علیه‌السّـلام)، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم، به حیات خود ادامه می‌دهد. همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سـرد و وسیله‌ی سلامت قرار داده و گِل را برای عیسی تبدیل به پرنده می‌کند، و عیسی و خضر را پس از قرن‌ها زنده نگه می‌دارد، می‌تواند مهدی (علیه‌السّلام) را نیز با قدرت الهی خود زنده نگهدارد. [۷۵] .بدون شک، امام مهدی (علیه‌السّـلام) یک انسان معمولی و عادی نیست، بلکه شخصـیّتی استثنایی و به فرموده‌ی رسول گرامی اسـلام، خلیفه‌ی خدا است [۷۶] و خدایی که مصـلحت می‌بیند و قادر است دشمنان خود، مانند «ابلیس» و «دجّال» را برای مدّتی طولانی زنده نگه دارد، قادر است و مصـلحت می‌داند که بنده و خلیفه‌ی خود در زمین را برای مدّتی طولانی زنـده نگهـدارد و جامعه‌ی بشـری را از فیض وجود آن حضـرت بهره‌مند سازد.گنجی شافعی می‌نویسد:این امر، مورد اتّفاق است که سه تن باقی می‌ماننـد که دو تن از آنان، صالحانـد - یکی، پیامبر است و دیگری، امام - و آن فرد سوم، طالـح و دشـمن خدا، دجّال است. حال که اخبار صـحیح، بقای عیسی (علیه‌السّلام) و دجال را درست می‌شمارد، پس چرا بقای مهدی (علیه‌السّلام) را نپذیریم؟! با آن که بقای مهدی، بر اساس خواست و قدرت خداوند است. و مهدی (علیه‌السّـلام)، نشانه‌ی رسول خدا است. و مهدی، نسبت به آن دوتای دیگر، به بقا، سزاوارتر است؛ چرا که او اگر باقی بماند، پیشوای آخرالزمان است و چنان که در اخبار آمده، زمین را پر از عـدل و داد خواهـد سـاخت. بنابراین، بقای مهـدی (علیه‌السّـلام) از جانب خداونـد برای انسان‌ها، لطف و مصـلحت است. [۷۷] .وی می‌افزایـد:بقـای دجـال، گر چه برای جهانیـان مفسـده‌هایی را در پی دارد، بـا این وجود، بقـای او از جانب خداونـد مایه‌ی آزمایش است، تـا انسان‌هـای فرمـان بُردار از نافرمـان، و نیکوکـار از بـدکار، و صالـح از فاسـد، بـاز شـناخته شونـد. این، حکمت بقای دجال است.امّـا بقای عیسـی (علیه‌السّـلام) به دلالت آیه‌ی قرآن [۷۸] موجب ایمـان آوردن اهل کتاب خواهـد شـد، و آن حضـرت، نبّوت پیامبر اسـلام (صلّی‌اللّهُ‌علیه‌وآله‌وسـلّم) را تصدیق خواهد کرد، و با نمازگزاردن پشت سـر امام مهدی (علیه‌السّلام) و یاری کردن آن حضـرت، ادعای امام مهدی را مورد تأیید قرار خواهد داد. بنابراین، بقای مهدی (علیه‌السّلام) اصل است، و بقای عیسی (علیه‌السّلام) و دجال، فرع بقای وجود مهـدی (علیه‌السّـلام) است، حال چه گونه ممکن است که فرع باقی باشـد، اما اصل باقی نباشـد؟!اگر چنین امری جایز باشـد، بایـد صـحیح باشد که مسبّب بدون وجود سـبب، تحقّق یابد، حال آن که چنین امری از دیدگاه عقل محال است. [۷۹].

پاورقی

[۱] ر.ک: «امام مهـدی منتظر در نهـج‌البلاغه»، نوشـته‌ی مهدی فقیه ایمانی. در این کتاب، نام صد و دو نفر از دانشـمندان اهل سـنّت ذکر شـده که همگی، به ولاـدت امـام مهـدی (علیه‌السّـلام) در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ه.ق تصـریح کرده‌انـد. در کتـاب دفاع عن الکافی نوشته‌ی هاشم حبیب العمیدی، جلد دوم، بیست و شش نفر به این آمار افزوده شده است.

[۲] سالنامه‌ی پارس، ص ۱۰۰ (نقل از کتاب شیعه چه می‌گوید؟ ص۲۸۷، حاج سراج انصاری).

[۳] شرح الأخبار فی فضائل الأئمهٔ الأطهار، چاپ مؤسّسه‌ی انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیّه‌ی قم.

[۴] طبقات أعلام الشیعه،آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۳۰، دارالکتاب العربی، چاپ یکم، ۱۳۹۰ ه. ق.

[۵] کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۵۳ – ۵۷۶.

[۶] قابل ذکر است که شماری از دانشمندان اهل سنت، از جمله ابو حاتم سیستانی، کتاب مستقلی در مورد «معمّرین» تألیف کرده است.

[۷] کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۷۶.

[۸] مضفات شیخ مفید، ج ۳، ص ۹۳ – ۱۰۳، با تحقیق سیّد محمد قاضی، چاپ کنگره‌ی هزاره‌ی شیخ مفید، چاپ اوّل، سال ۱۴۱۳ ه.ق.

[۹] این کتاب، هم اکنون بخشی از جلد دوم کنز الفوائد را تشکیل می‌دهد. [

[۱۰] کنز الفوائد، محمّد بن علی بن عثمان کراجکی، ج ۲، ص ۱۱۴ – ۱۵۸، با تحقیق شیخ عبدالله نعمه، انتشارات دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ ه.ق.

[۱۱] کتاب الغیبه، محمّد بن حسن طوسی، ص ۱۱۳ – ۱۲۶، با تحقیق عباداللّه تهرانی و علی احمد ناصح، مؤسسه‌ی معارف اسلامی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۱۱ ه.ق.

[۱۲] پیروان برخی از فرق اسلامی، این اقدام اولیا را کرامت نامیده‌اند، نه معجزه.

[۱۳] اعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۵ – ۳۱۰ با تحقیق مؤسّسه‌ی آل البیت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق.

[۱۴] تلخیص المحصل (المعروف به «نقدالمحصّل»)، خواجه نصرالدین طوسی، ص ۴۳۳، دارالاضواء، چ دوم، بیروت، لبنان، ۱۴۰۵ ه.ق.

[۱۵] کشف الغمه فی معرفهٔ الأئمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۴۸۸، به بعد، با تحقیق سیدهاشم رسولی، چاپ علمیّه، قم، ۱۳۸۱ ه.ق).

[۱۶] قواعد المرام فی علم الکلام، کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، ص ۱۹۱، چاپ مهر، چاپ اوّل، قم، ۱۳۹۸ ه.ق.

[۱۷] طبقات أعلام الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۵. ص ۵۲ دارالکتاب العربی چاپ اول ۱۹۷۵ م.

[۱۸] مناهبج الیقین فی اصول الدین، علامه، حسن بن یوسف بن مطهّر حلی، ص ۳۳۰، با تحقیق محمدرضا انصاری قمی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.

[۱۹] علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۲.ص ۷۹۷، انتشارات بیدار، قم.

[۲۰] مهدی موعود، ترجمه‌ی ج سیزدهم بحارالانوار)، ترجمه از علی دوانی، ص ۲۶۲ – ۳۴۷، چاپ حکمت، قم، ۱۳۳۹ ه.ق.

[۲۱] النجم الثاقب. میرزا حسین طبرسی نوری، ص ۶۵۶ – ۷۰۷، انتشارات مسجد جمکران، چاپ اوّل، ۱۳۷۵ ه.ق.

[۲۲] منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۲۷۴ – ۲۸۳، چاپ سوم، کتابخانه‌ی صدر.

[۲۳] خورشید مغرب، محمّدرضا حکیمی، ص ۲۴۰ – ۲۷۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۰ ه.ش.

[۲۴] امام مهدی (علیه‌السّلام) حماسه‌ای از نور، سیّد محمدباقر صدر، ترجمه از کتابخانه‌ی بزرگ اسلامی، ص ۱۳ – ۴۳، انتشارات مؤسسه‌ی الامام المهدی، ۱۳۹۸ ه.ق.

[۲۵] دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۱۱ – ۲۴۲، مؤسسه‌ی مطبوعاتی دارالفکر، چاپ دوم، قم، ۱۳۴۷ ه.ش.

[۲۶] عکبوت: ۱۴ (ترجمه‌ی فولادوند).

[۲۷] نساء: ۱۵۷ – ۱۵۹ (ترجمه‌ی فولادوند).

[۲۸] وی، یکی از مفسّان صدر اسلام است.

[۲۹] الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۷۲۸، دارالفکر، بیروت.

[۳۰] همان ص ۷۳۵؛ التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۴ ص ۲۶۳؛ تفسیر قرطبی، مجلد ۳، جزء ۶، ص ۱۱؛ تفسیر خازن، ج ۱ ص ۴۴۸، علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی.

[۳۱] البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۲۵، ص ۱۴۸.

[۳۲] همان، ص ۱۴۸ – ۱۴۹؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۳۵.

[۳۳] مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۴۵ و ۳۸۴؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷، باب ۷۱، ح ۲۴۷، و ج ۳، ص ۱۵۲۴، باب ۵۳، ح ۱۹۲۳؛ مسند ابویعلی موصلی، ج ۴، ص ۵۹ – ۶۰، ح ۲۰۷۸؛ مسند ابوعوانه، ج ۱، ص ۱۰۶ – ۱۰۷؛ المحلی، ابن حزم، ج ۱، ص ۹، دارالآفاق؛ سنن بیهقی، ج ۹، ص ۳۹، دارالمعرفه، بیروت؛ مصابیح السنهٔ. بغوی، ج ۳، ص ۵۱۶، ح ۴۲۶۲؛ جامع الأصول، ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۴۸، باب ۱، ح ۷۸۰۹، دار احیاء التراث العربی؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۵۴، دار احیاء التراث؛ بشارهٔ المصطفی، ص ۲۴۹، ابوجعفر طبری؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۴۶، اربلی؛ داراکتاب الاسلامی.

[۳۴] صحیح بخاری، کتاب انبیا، باب نزول عیسی بن مریم، ح ۳۲۶۵؛ صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب ۷۱، ح ۲۴۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۲ و ص ۳۳۶؛ المضف، عبدالرزاق، ج ۱۱، ص ۴۰۰، ح ۲۰۸۴۱؛ عون المعبود، عظیم آبادی، ج ۱۱، ص ۳۶۱، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۹ ه.ق.

[۳۵] الحاوی للفتاوی، سیوطی ج ۲، ص ۲۲۲؛ تاریخ الخمیس، دیاربکری، ج ۲ ص ۲۸۸؛ البیان فی أخبار صاحب الزمان گنجی شافعی، ص ۱۵۵؛ القول المختصر، ابن حجر مکّی، ص ۸ باب ۱، ح ۴۰؛ ینابیع الموده، ص ۱۸۷، باب ۵۶؛ فیض القدیر، مناوی، ج ۶، ص ۱۷، دارالفکر؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۴ باب ۱، داراحیاء الثراث.

[۳۶] المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۷، ص ۵۱۳، دارالکتب العلمیه؛ الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۲۳، دارالکتاب العربی.

[۳۷] النجم الثاقب، ص ۶۷۳.

[۳۸] تفسیر المیزان، علاّمه‌ی طباطبایی، ج ۱۳، ص ۳۵۲، مؤسّسه‌ی اعلمی بیروت.

[۳۹] المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴۱، به بعد؛ التفسیر الکبیر، فخررازی، ج ۷، ص ۴۸۲، دار احیاء التراث، ۱۴۱۵ ه؛ در المنثور، سیوطی، ج ۵، ص ۴۰۹ به بعد.

[۴۰] المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

[۴۱] تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۰۶ – ۱۰۷، دار صادر، بیروت.

[۴۲] البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸ – ۱۴۹.

[۴۳] عون المعبود (شرح سنن ابی داود)، ج ۱۱، ص ۳۶۷، دارالفکر،بیروت، ۱۳۹۹ ه.

[۴۴] مصنفات الشیخ المقید، ج ۳ (رساله الفصول العشره فی الغیبه؛ با تحقیق سیدمحمد قاضی، چاپ کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید)، ص ۸۳، چاپ اوّل، ۱۴۱۳ ه.ق.

[۴۵] إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، با تحقیق مؤسسه‌ی آل البیت (علیه‌السّلام)، ج ۲، ص ۳۰۵، چاپ اوّل، ۱۴۱۷ ه.ق، کشف الغمه، محقّق اربلی، تحقیق سیدهاشم رسولی، ج ۲، ص ۵۴۲، چاپ علمیّه، قم، ۱۳۸۱، ه.ق.

[۴۶] کنز الفوائد، محمّد بن علی بن عثمان کراچکی، ج ۲، ص ۱۱۵.

[۴۷] النجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، ص ۶۷۱، انتشارات مسجد جمکران، س ۱۳۷۵ ش.

[۴۸] کهف: ۲۵ (ترجمه‌ی فولادوند).

[۴۹] مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۴، دارالفکر؛ جامع الصغیر، سیوطی، ج ۲، ص ۴۱۰؛ فیض القدیر، مناوی، ج ۵، ص ۲۷۷، دارالفکر؛

المطالب العالیهٔ، ابن حجر، ج ۴، ص ۳۶۱.

[۵۰] صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۳۳، دارالجیل، بیروت؛ مسند نعیم بن حماد، ص ۱۴۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۴۳، باب ۱۹، ح ۲۹۲۹؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۲۰، ح ۴۳۳۰؛ حلیهٔ الاولیاء، ابو نعیم، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مصابیح السنته، بغوی، ج ۳، ص ۵۱۳، ح ۴۲۵۴؛ جامع الاصول، ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۶۵، ح ۷۸۳۶؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۴۸ – ۱۴۹، ج ۳، ص ۳۶۸.

[۵۱] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۳، دارالجیل.

[۵۲] سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۲۰.

[۵۳] المصنف، عبد الرزاق، ج ۱۱، ص ۳۸۹، ح ۲۰۸۱۷؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۴۸ – ۱۴۹، و ج ۳، ص ۳۶۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۷، و ج ۴، ص ۸۵ – ۸۶، ص و ج۸، ص۴۹ – ۵۰، دارالجیل؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۴۰، باب ۱۹؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۲۰، ح ۴۳۲۹؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۱۷، باب ۶۳، ح ۲۲۴۷. از ابی سعید خدری.

[۵۴] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

[۵۵] سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، باب ۳۴، ح ۴۰۸۴۳ (سند صحیح است. مجمع الزوائد، نیز سند حدیث را صحیح داشته است)؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۳ (سند صحیح است)؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۵۱۵، دارالکتب العلمیه؛ الخصائص الکبری، سیوطی، ج ۲، ص ۱۱۹، دارالکتب العلمیه؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷؛ تاریخ الخمیس، دیار بکری، ج ۲، ص ۲۸۸؛ الحاوی الفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۲۱، دارالکتاب العربی؛ بحارالأنوار، مجلس، ج ۵۱، ص ۸۳ و ۸۷ و ۹۷، باب ۱.

[۵۶] خورشید مغرب، محمّدرضا حکیم، ص ۲۱۴ (به نقل از فصول، خواجه طوسی، با اندکی تصّرف).

[۵۷] المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

[۵۸] خورشید مغرب، محمّدرضا حکیمی، ص ۲۵۰ (با تلخیص).

[۵۹] المعارف، ابن قتیبه، ص ۱۹ چاپ رضی؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۱، دار صادر، بیروت؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۹، دارالمعرفه، بیروت؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۳۸، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۴۰ ه؛ تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ج ۱، ص ۱۵۷ – ۱۵۹، بیروت، لبنان؛ مضفات شیخ مفید، ج ۳، ص ۹۲؛ کمال الدین، ص ۵۲۳؛ کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۱۷.

[۶۰] المعارف، ص ۲۰؛ تاریخ ابی الفداد، ج ۱، ص ۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۹؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۴؛ کنزالفوائد، کراجکی، ج ۲، ص ۱۱۷.

[۶۱] تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۶۳؛ کنز الفوائد، کراجکی، ج ۲، ص ۱۱۷ (کراجکی، عُمر او را نهصد و شصت و پنج سال دانسته است).

[۶۲] تاریخ ابی الفداء، اسماعیل ابی الفداء، ج ۱، ص ۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۶۴ (طبری، عمر وی را نهصد و ده سال دانسته است).

[۶۳] تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۹؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۹.

[۶۴] مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۰؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۱۰، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۷۳؛ (طبری، عمر او را نهصد و نوزده سال دانسته است.)؛ کنز الفوائد، کراجکی، ج ۲، ص ۱۱۷.

[۶۵] در کتاب الامام المهدی (علیه‌السّلام)، علی محمّد علی دخیّل، نام و نشان و خصوصیّات دویست و بیست و سه نفر از معمّران آمده است.

[۶۶] أئمتنا، علی محمّد علی دخیّل، ج ۲، ص ۳۷۲، دارمکتبهٔ الامام الرضا (علیه‌السّلام)، بیروت، چاپ ششم، ۱۴۰۲ ه.ق.

[۶۷] أئمتنا، ج ۲، ص ۳۷۱؛ المهدی، ص ۱۴۱؛ منتخب الأثر، ص ۲۸۱.

[۶۸] تویسر کان، از شهرهای استان همدان است.

[۶۹] بحارالانوار، علاّمه‌ی مجلسی، ج ۲۷، ص ۲۹۹، باب ۶، و ج ۲۲، ص ۵۵۰؛ بصائر الدرجات، ص ۱۳۱.

[۷۰] تهذیب تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۵۷، داراحیاء التراث، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ه.ق؛ شفائ السقام، تقی الدین سبکی شافعی، ص ۱۸۱، چاپ حیدر آباد دکن، ۱۴۰۲ ه.ق؛ الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۳۰ و ۳۳۱، دار احیاء التراث بیروت (با تصریح به صحت سند)؛ سنن ابی داوود، کتاب الجمعه، باب ۱، و کتاب الدعا، باب ۴؛ سنن ابن ماجه، ح ۱۰۸۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۸، دارالفکر؛ سنن بیهقی، ج ۳، ص ۲۴۹، دارالمعرفه؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۶۰؛ الأذکار النوویهٔ، نووی، ص ۱۰۶؛ المعجم الکبیر، ابوالقاسم طبرائی، ج ۱، ص ۱۸۶، چاپ عراق؛ کنز العمال، متقی هندی، ح ۲۳۳۰۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۶۳؛ موارد الظمآن، هیثمی، ص ۵۵، چاپ سلفیه؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۷۶؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ۲۹۹۱.

[۷۱] دایرهٔ معارف القرن العشرین، محمد فرید وجدی، ج ۵، ص ۴۴۱ – ۴۵۸، دارالفکر، بیروت.

[۷۲] بر گرفته از خورشید مغرب، محمّدرضا حکیمی، ص ۲۰۳ – ۲۰۵.

[۷۳] همان.

[۷۴] المهدی (علیه‌السّلام)، صدرالدین صدر، ص ۱۳۸.

[۷۵] اضواء علی السنّته المحمدیّهٔ، محمود ابوریه، ص ۲۳۶ (نقل از نامه‌ی سید مرتضی عسکری).

[۷۶] مراجعه کنید به ص ۲۱ از همین بحث.

[۷۷] البیان فی اخبار صاحب‌الزمان، ص ۱۵۷.

[۷۸] و ان من اهل الکتاب...» نساء: ۱۵۹.

[۷۹] البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۵۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹